

سپاسگزارم آموزگار من

اوایل اردیبهشت‌ماه، در راه برگشت از محل کار به خانه، پیغام پشت پیغام بود که از گروه شبکه‌ی اجتماعی کلاس پسر من می‌رسید:

کلاس پنجم ۱

سلام مامانها فردا امتحان املا داریم
بله شنبه هست پسر من عین خیالش نیست من استرس
دارم

درس نهم خیلی سخته. کلمه‌های عجیب غریبی داره
ببخشید خانما امتحان املا مون از درس اول هستش
پسر من می‌گه از درس اول تا آخر. ولی من باور نمی‌کنم.
آخه امتحان نیم ترمه آخره.

سلام عصر بخیر
ببخشید میشه جوابه سوال ورقه ای که معلم داده رو
بزارید. ما بلد نیستیم.

کاش خانمشون مجبور می‌کرد بچه‌ها دیکته بنویسند و ما
تصحیح کنیم تا بفهمند کدوم کلمه‌ها رو بلد نیستن
کاش خانمشون در دسترس بود.

نماینده محترم جواب سوال رو بی زحمت میزارین
پسر من دندونش چرک کرده اصلا حاله درس نداره. الانم
دکترم و نمی‌تونم جواب شما رو بدم.

من فردا صبح باید برم تشریح جنازه سرم شلوغه.
یکی جواب بده.

مادر یکی از دانش‌آموزان پنجم ۱

خانه که رسیدم، پسر من مشغول بازی بود. تشری به او زدم که مگر
تو فردا امتحان املا نداری؟ چرا تمرین نمی‌کنی آخر!
پسر من گفت: «معلوم نیست حالا. صبر کن ببینیم جواب بچه‌ها چی
می‌شه! شاید امتحان نباشه!»

از حرفش اصلاً خوشم نیامد. اخم و تخمی کردم تا بفهمد کارش
اشتباه است. کمی هم بی‌محلی کردم. نیم‌ساعتی که گذشت،
دیدم دفتر املاش را آورده‌است و دارد از روی غلط‌های دیکته‌اش
می‌نویسد. خوشم آمد. پیشش رفتم و پرسیدم، چطور شده که از روی
غلط‌های نویسی؟

- خانمون گفته شب امتحان از روی غلط‌ها تون بنویسید.
این طوری بهتر متوجه اشکالاتون می‌شید.
خوشحال شدم که خودش به‌طور مستقل تمرین می‌کند و با
من کاری ندارد. آن طرف میز، روبه‌روی پسر من نشستم و رفتم ببینم
می‌توانم بفهمم در گروه «کلاس پنجم ۱» چه خبر است و بالاخره
تکلیف امتحان چه شده؟ دیدم معلمشان عکس یک صفحه‌ی تایپ
شده را فرستاده است. به ذهنم رسید لغت‌های مهم باشد! به‌سرعت
بازش کردم. بهتر است آنچه را دیدم، به‌طور دقیق برایتان کیپی کنم.

آموزگار پنجم ۱

خانما و مامانا سلام. وقت همگی بخیر. من آموزگار پسرهاتون هستم. نماینده‌ی کلاس سرش شلوغ بود و پیام‌های شما رو برای من فرستاد. متأسفانه نتونستم از چند تا نکته بگذرم. می‌خوام راه تصحیح املا و دیکته‌ی بچه‌ها رو براتون بگم تا بتونید بهتر کمکشون کنید. پس به توضیحات من دقت کنید:

۱. تو جمله‌ی اول، مامانی گفته: «فردا امتحان املا داریم». خانم عزیز الان شما سؤال کرده‌اید، یا خبر داده‌اید. اگر جمله‌تون خبریه که خب آخر جمله یه نقطه می‌داشتید تا همه منظور تون رو بفهمن. اگر هم سؤال کرده‌اید، اولاً یه علامت سؤال ته جمله بگذارید تا منظور تون به راحتی معلوم بشه. خب ته جمله‌هاتون نقطه بگذارید دیگه! دوماً آخه عزیزان من، من هفته‌ی پیش برگه‌ی برنامه‌ی امتحانی رو همگی شما اون امضا کردید. روز هر امتحان به‌طور دقیق معلومه. دیگه سؤال برای چی؟

۲. مامانای گل، بچه‌هاتون امتحان دارن، نه شما. چرا پرسیده‌اید: «امتحان داریم؟» درستش اینه که بچه‌ها امتحان دارن. لطفاً دقت کنید که امتحان مال بچه‌هاست، نه شما. در ضمن، وقتی دانش‌آموزی شکر خدا استرس نداره، واقعاً درست‌تره ازش توقع استرس داشته باشیم؟ اینکه نشانه‌ی توجه به درس نیست! درس که ترس نداره! لطفاً آرامش «شاگردان من» رو به هم نزنید.

۳. چند تا جمله پایین‌تر (لطفاً به هر جمله که اشاره می‌کنم، برید و اون جمله رو دقیق بخونید)، یکی از شما مامانا پرسیده: «از اول کتاب امتحان داریم؟» باز مامانا فکر کرده‌ان که خودشون امتحان دارن! لطفاً بار شاگردان من رو شما حمل نکنید، اجازه بدید خودشون احساس مسئولیت کنن. در ضمن، از خودشون بپرسید، توی دفترچه‌های یادداشتشون نوشته‌ان که «امتحان املا‌ی نیم ترم از اول کتابه». املا چیزی نیست که بشه نصف کتاب رو امتحان گرفت. همه‌ی لغت‌هایی رو که خوندن، باید بلد باشن.

۴. مامانی که «عصر بخیر» گفتید، لطفاً توجه کنید که املا‌ی «عصر بخیر» این‌طوره که من نوشتم. اما شما خواستید که مامانای دیگه جواب سؤال امتحان رو بذارن. مامان

عزیز، بچه‌ها جواب‌ها رو توی دفتر فارسی‌شون دارن. لطفاً ازشون بخواین که نشونتون بدن. در ضمن، اگر می‌خواهیم به بچه‌هامون کمک کنیم درس‌ها و از جمله املاشون خوب باشه، خودمونم باید بیشتر دقت کنیم. «جواب سؤال» را خواستن، به همین صورت صحیحه. شما «ه» رو اضافه گذاشته‌اید. راه راحت تشخیصش رو براتون می‌گم. هر وقت خواستید «است و هست» بگید، می‌تونید به جاش «ه» بذارید. عبارتی که شما نوشته‌اید، یعنی «جوابه سوال»، معنی ندارد. این رو خیلی دقت کنید. منظور شما «جواب» بوده است. تو زبان محاوره، فعل «است یا هست» به «ه» تبدیل می‌شه، نه چیز دیگه. خانمی که حال پسرش خوب نیست هم برای «حال» به اشتباه «ه» اضافه گذاشته. مامان خوب، امتحان «نیم ترم» درست‌تره نه «ترمه». اما «آخره» رو دست نوشتید؛ در اینجا «ه» یعنی «است».

۵. باز م تو جمله‌ی قبلی اشکال املا‌یی هست. خواستید که مامانا جواب سؤال رو بذارن. منظور شما بگذارن هست که وقتی می‌شکنه، تو محاوره، می‌شه بذارن. دقت کنید که حرف «ذ» نباید عوض بشه. «ز» غلطه و «بگذارن» می‌شه «بذارن». خانمای دیگه هم این غلط دیکته رو دارن. بگردید و پیدا کنید.

۶. خانما، جنازه رو تشییع می‌کنن، نه تشریح. سپاس رو هم می‌گزارن. یعنی جایی قرارش نمی‌دن، بلکه به‌جا می‌آرن. برای به‌جا آوردن «گزار» درست‌تره. مثل نمازگزار. اما «گذاشتن» یعنی «قراردادن».

۷. اما نکته مهم‌تر از بقیه. عزیزان من، وقتی شما این‌قدر غلط املا‌یی دارید، چطور من اجازه بدم دیکته‌های بچه‌ها رو تصحیح کنید. خواستید که «تصحیح» کنید، در حالی که تصحیح درست‌تره!

۸. من به عمد به زبان محاوره و شکسته براتون نوشتم تا ببینید حتی وقتی کلمات رو می‌شکونیم، یه قواعدی هست که باید رعایتشون کنیم. اگر ما در عمل از آموخته‌هامون استفاده نکنیم، پس چرا بیاموزیم؟ اردتمند شما: آموزگار فرزند کلاس پنجمی تون

خوش به حال دانش‌آموزان پنجم ۱

چنان تحت‌تأثیر این مرام قرار گرفتم که بدون لحظه‌ای فکر، در گروه «کلاس پنجم ۱» نوشتم: آموزگار فرزندم، از تو ممنونم؛ ممنون به خاطر درک بالایت که با عمل و در عمل به من و فرزندم درس می‌دهی! شرمسار توام و قدردان تو! هفته و روز معلم مبارک باد که به‌حق شایسته‌ی این مقام هستی!